





۱

□ : □ :

مقدمه ..... ۲

قانون خصوصی سازی ..... ۳

سایر قوانین پشتیبان خصوصی سازی ..... ۵

تشکیلات سازمانی و نهادی ..... ۷

شفافیت ..... ۹

روش های خصوصی سازی ..... ۹

حراج عمومی و مزایده عمومی ..... ۱۰

عرضه عمومی سهام ..... ۱۲

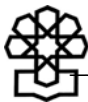
تخصیص درآمدهای خصوصی سازی ..... ۱۳

معاملات خصوصی سازی ..... ۱۴

:

### Legal Guidline For Privatization Program

در این گزارش بانک جهانی به بیان توصیه‌هایی در مورد مسائل حقوقی که ممکن است در برنامه خصوصی سازی و واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی بروز کند پرداخته است.



چنین برنامه‌ای ممکن است به واگذاری تمامی شرکت‌های تجاری دولتی در بخش‌های قابل معامله کشور به بخش خصوصی و همچنین خصوصی سازی انتخابی برخی از شرکت‌های متوسط یا بزرگ دولتی در بخش‌های خاص منجر شود. بنابراین، مقاله حاضر به بحث پیرامون خصوصی سازی در مقیاس محدود در بخش خرده‌فروشی یا خدمات و نیز برنامه‌های خصوصی سازی انبوه که در جریان آن سهام شرکت‌ها در سطحی وسیع به مردم فروخته می‌شود، خواهد پرداخت.

۲. یک «معامله خصوصی سازی» از دیدگاه مورد نظر در این نوشتار، عبارت است از معامله‌ای که در آن مالکیت یک شرکت یا شخصیت حقوقی دولتی (اعم از دولت، وزارتخانه، بخش، شرکت، شرکت سهامی) یا دارایی‌های عمده یا سهام عمده آن که در اختیار یک سازمان دولتی است - و میزان آن به حدی است که سهام کنترل کننده محسوب می‌شود- از دولت یا یک سازمان تحت کنترل آن به بخش خصوصی منتقل می‌شود.

۳. هر سازمان یا نهادی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت مالکیت یا کنترل دولت یا سازمان دولتی باشد، از شمول تعریف «بخش خصوصی» در این نوشتار خارج است. بنابراین فروش یا واگذاری یک شرکت به یک سازمان دولتی، چه آن سازمان دولتی مربوط به دولت میزبان باشد و چه به دولت دیگری وابسته باشد، از نقطه نظر این دستورالعمل «خصوصی سازی» محسوب نمی‌شود.



سایر قوانین پشتیبان، مشخص‌کننده گام‌های حقوقی لازم برای آماده‌سازی شرایط خصوصی‌سازی و انجام معاملات و نیز فراهم‌کننده زمینه لازم برای فعالیت شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی پس از خصوصی‌سازی است.

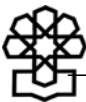
۵. تصمیم در مورد وضع و تصویب کردن یک قانون خصوصی‌سازی، کاملاً به مندرجات قانون اساسی و اوضاع و احوال حقوقی و قانونی کشور موردنظر بستگی دارد.

[ ]

حتی اگر تدوین و تصویب یک قانون مجزا برای خصوصی‌سازی اجباری نباشد، وجود آن برای نیل به مقاصد متنوعی که بخشی از آن در ذیل آمده است می‌تواند مفید باشد:

- تعریف اهداف دولت و متعهد ساختن دولت به فرایند خصوصی‌سازی،  
- افزودن متمم‌ها و تبصره‌هایی به قوانین موجود که در صورت عدم تغییر می‌توانند مانعی بر سر راه خصوصی‌سازی باشند (مثلاً قوانینی که مشارکت بخش خصوصی در آنچه که پیش از این جزء فعالیت‌های «استراتژیک» محسوب می‌شده است).

- ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مأمور اجرای برنامه خصوصی‌سازی،



- پرهیز از «خلأ اختیارات قانونی» که می‌تواند منجر به اقدامات خود سرانه یا غیرمجاز در خصوصی‌سازی شود،  
- فراهم کردن امکان بازسازی مالی شرکت‌ها قبیل از فروش آن‌ها به بخش خصوصی و مبادله کردن تعهدات و بدهی‌ها با سهام، یا بخشودگی یا به تعویق انداختن بازپرداخت آن‌ها،  
- تعریف روش‌های خصوصی‌سازی و محدودیت‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی شرکت‌کنندگان در مزایده‌های خصوصی‌سازی،  
- تعیین تکلیف و نحوه تخصیص درآمدهای حاصله از خصوصی‌سازی.

گاه ممکن است در قانون فهرست شرکت‌ها و سازمان‌هایی که به بخش خصوصی واگذار خواهند شد دقیقاً مشخص شود، ولی عیب این روش در آن است که انعطاف‌پذیری قانون را کاهش می‌دهد زیرا اضافه کردن یا حذف نام یک شرکت از فهرست خصوصی‌سازی را دشوار می‌سازد. روش‌های دیگری که پیشنهاد می‌شود به شرح ذیل‌اند:

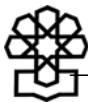
الف) تهیه یک فهرست «منفی» [شرکت‌ها و سازمان‌هایی که نباید به بخش خصوصی واگذار شوند]، تا بدین ترتیب سایر سازمان‌ها و شرکت‌ها قابل خصوصی‌سازی باشند،

ب) ملزم ساختن دولت به تصمیم‌گیری در عالی‌ترین سطوح در مورد خصوصی‌سازی سازمان‌ها و شرکت‌ها به صورت مورد به مورد یا بر مبنای بخشی، تا بدین ترتیب نام تک تک شرکت‌ها و سازمان‌هایی که می‌باید برای خصوصی‌سازی به سازمان خصوصی‌سازی سپرده شوند مشخص شود.



تبدیل شدن به شرکت، امکان تعیین و شناسایی دارایی‌ها و بدهی‌های بنگاه موردنظر را فراهم می‌سازد؛ می‌توان یک هیأت مدیره انتقالی تشکیل داد که بر مدیریت شرکت نظارت داشته باشند؛ امکان انتشار سهام برای دولت را به وجود می‌آورد و بدین واسطه به دولت امکان می‌دهد در صورت لزوم دارایی‌های خود را به صورت جزء به جزء واگذار کند. قانون شرکت‌ها همچنین باید حاوی رویه‌ها و آیین‌نامه‌هایی برای تبدیل به نقد کردن دارایی‌ها یا انحلال شرکت‌ها و آزادسازی دارایی‌های شرکت‌های ورشکسته دولتی و فروش آن‌ها به بخش خصوصی باشد.

۹. قبل از فروش و واگذاری آن بنگاه‌های دولتی که آلاینده‌گی زیست‌محیطی به نسبت بالایی دارند، باید یک ممیزی زیست‌محیطی از آن‌ها به عمل آید تا الزامات مربوط به رفع آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی و برقراری شرایط بهداشتی مناسب برای پرسنل شاغل تعیین شده و به اجرا درآید. این ممیزی می‌تواند بر مبنای استانداردهای زیست‌محیطی و بهداشت شغلی داخلی یا بین‌المللی اجرا شود. طبق نتایج این ممیزی، دولت می‌تواند در مورد این که هزینه‌های آلاینده‌گی محیطی را خود بر عهده بگیرد



تصمیم بگیرد و در عین حال خریداران را به پذیرش مسئولیت هزینه‌های آتی زیست‌محیطی متعهد سازد.

قوانین کار باید حق سنوات و سایر مزایای پرداختی به کارگران مازاد را که در نتیجه خصوصی‌سازی بیکار می‌شوند تعریف کرده و در عین حال حق کارفرمای بخش خصوصی مبنی بر تغییر ترکیب نیروی کار برای تأمین نیازهای خود را به رسمیت بشناسد.

- تأثیر احتمالی خرید یک بنگاه دولتی توسط بخش خصوصی داخلی یا خارجی بر وضعیت رقابتی بازار مورد بررسی قرار گرفته و از پیدایش انحصار در بازار به واسطه چنین تملکی جلوگیری شود،

- از شکل‌گیری روش‌های تجاری انحصارطلبانه یا غیرمنصفانه در بازار جلوگیری شود.

اگر بنگاه مورد نظر یک شرکت خدمات عمومی<sup>۱</sup> است، باید طبق قانون، رژیم نظارتی ویژه‌ای به وجود آید تا مقامات نظارت‌کننده بتوانند با اعمال نظر در قیمتگذاری خدمات عمومی و نظارت بر کیفیت این خدمات، ضمن حفظ حق ورود به بازار برای رقبای آینده، از منافع مصرف‌کنندگان حمایت لازم را به عمل آورند.

1. Public Utility.



۱۲. اگر بنا باشد که سرمایه‌گذاران خارجی در برنامه خصوصی‌سازی مشارکت کنند، یا چنین انتظار می‌رود که پس از اعلام مشارکت کنند، قوانین کشور باید به گونه‌ای باشد که برخورد منصفانه و برابر با این سرمایه‌گذاران نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی را طبق استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی تضمین کند.

۱۴. اما اجرای یک برنامه خصوصی‌سازی و انجام معاملات، با سایر فعالیت‌های اداری که در دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود از جهات ذیل تفاوت دارد:  
الف) فرایند باید تا حد امکان باز و آزاد<sup>۱</sup> باشد.

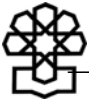
ب) خصوصی‌سازی فرایندی است که از حوزه‌های نفوذ سنتی و کنترل‌های سیاسی و دیوانسالارانه رایج فراتر می‌رود و مرزبندی‌های قدرت در تشکیلات دولتی را بر هم می‌ریزد.

(

زیرا در این فرایند با خریداران بخش خصوصی داخلی و احتمالاً خارجی و بانک‌های سرمایه‌گذار و سایر مشاوران حرفه‌ای سر و کار خواهد داشت.

۱۵. مجموعه عوامل فوق بیانگر نیاز به وجود یک سازمان مرکزی مسئول برای هدایت و راهبری فرایند و برنامه خصوصی‌سازی است. این سازمان باید یک مأموریت واحد داشته باشد: فروش و واگذاری دارایی‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش

1. Open.



خصوصی، طبق اصول و مبانی سیاست‌هایی که برنامه بر آن استوار شده است. برخورداری از اختیارات صریح و روشن در کنترل فرایند اجرای برنامه و توانایی جذب و به کارگیری پرسنل کارآمد و متخصص و استفاده از خدمات مشاوران ورزیده و مجرب نیز از لوازم موفقیت این فرایند است. البته مسئولیت اداره فعالیت‌های جاری بنگاه‌ها قبل از واگذاری به بخش خصوصی، باید برعهده هیأت مدیره عامل بنگاه [که قبلاً به لزوم تشکیل آن اشاره کردیم] خواهد بود.

- ارائه فهرست پیشنهادی بنگاه‌ها یا گروه بنگاه‌های دولتی مناسب برای خصوصی‌سازی به سیاستگذاران و مقامات سیاسی تصمیم‌گیرنده در امر خصوصی‌سازی،

- تصمیم‌گیری در خصوص تجدید ساختار مالی بنگاه دولتی قبل از واگذاری،

- تعیین زمان و شیوه واگذاری،

- نظارت بر نحوه تهیه و انتشار اطلاعیه دعوت به مزایده و ارزیابی متقاضیان شرکت در مزایده‌ها در صورت لزوم،

- الزام اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها که از سوی دولت منصوب شده‌اند، به برکناری از مقام خود هنگام عقد قرارداد واگذاری شرکت یا قبل از آن،

- توصیه به مقامات تصمیم‌گیرنده در خصوص پذیرش برنده مزایده.

بدین منظور می‌توان گروه‌های منطقه‌ای، بخشی، شهری یا حتی در سطح یک بنگاه بزرگ را تشکیل داد تا عملیات واگذاری و عقد قراردادهای لازمه و مراحل اجرایی را طبق آیین‌نامه واحد و یکسانی که سازمان مرکزی خصوصی‌سازی تدوین و ابلاغ



می‌کند، به انجام برسانند. این گروه‌ها در بهترین حالت باید متشکل از نمایندگان سهامداران عمده باشند تا انجام معامله با در نظر گرفتن ملاحظات و نقطه‌نظرات کلیه ذی‌نفعان صورت بگیرد، ضمن این که گروه‌های یاد شده از رایزنی بانک‌های سرمایه‌گذاری، حقوقدانان و سایر مشاوران حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف بی‌نیاز نخواهند بود.

. این هدف در دو سطح قابل تحقق خواهد

بود. نخست، قوانین و مقررات پشتیبان برنامه باید سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار خصوصی‌سازی را ملزم به رعایت حداکثر شفافیت کرده و فقط در حد استانداردهای معمول تجاری به آن‌ها اجازه رازداری بدهد. دوم این که، تک تک معاملات برای واگذاری شرکت‌های دولتی باید از طریق اعلام علنی مزایده رقابتی صورت گرفته و در اعلامیه‌های مربوطه از تمامی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی واجد شرایط برای شرکت در مزایده دعوت شود. در این روش باید درآمد حاصله از فروش بنگاه دولتی به حداکثر رسیده و در عین حال اعتماد عمومی به رعایت صداقت و شفافیت فرایند افزایش یابد.



۲۰. عموماً به کارکنان بنگاه دولتی که به بخش خصوصی واگذار خواهد شد حق تقدم داده می‌شود تا بخش کوچکی از سهام را (که معمولاً بیش از ۱۰ درصد نیست) خریداری کنند. پرداخت بهای سهام نیز ممکن است به صورت اقساط از حقوق و دستمزد کارکنان کسر شده و در یک دوره زمانی معین انجام شود و در عوض انتقال مالکیت سهام نیز تا پرداخت بهای آن صورت نخواهد گرفت. تعاونی‌های کارگری هم گاه اجازه می‌یابند در شرایطی برابر با سایر شرکت‌کنندگان، در مزایده حضور پیدا کنند.

۲۱. حتی در یک فقره معامله نیز طیف متنوعی از روش‌ها را می‌توان مورد استفاده قرار داد: مثلاً، فروش بخشی از سهام به کارکنان، فروش بخش اصلی و عمده سهام به یک سرمایه‌گذار بلندمدت و واگذاری مابقی سهام از طریق عرضه عمومی [در بورس سهام یا فروش مستقیم].

۲

۱

. در این روش اقسام موردنظر برای

فروش در اعلامیه حراج معرفی شده و مکان برگزاری حراج نیز مشخص می‌گردد. شرایط فروش از قبل تعیین شده و مقرر گردیده است که اقسام به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته شوند. ممکن است در یک طرح عمومی پیشاپیش قیمت پایه‌ای تعیین شود که در این صورت چنانچه در جریان حراج هیچ یک از پیشنهادهای خریداران از قیمت پایه بالاتر یا برابر با آن نباشد، فروشنده این اختیار را خواهد

1. Public Auction.
2. Public Tender.



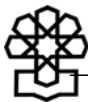
داشت که حراج را لغو کرده یا پس از حراج عمومی، اقلام را به بالاترین پیشنهاد ارائه شده از سوی خریداران بفروشد یا با آنان وارد مذاکره شود.

در این روش از طریق رسانه‌های عمومی به اطلاع عموم رسانده می‌شود که بنگاه یا بنگاه‌هایی در معرض فروش قرار دارند. همچنین ممکن است پیش شرط‌هایی برای شرکت در مزایده تعیین شود، تا دولت ابتدا از بنیه مالی یا برنامه‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری خریداران مطمئن شود. ممکن است از خریداران بالقوه خواسته شود قبل از ارائه پیشنهادهای خود، درباره موافقتنامه انتقال با فروشنده مذاکره کرده و نسخه امضا شده‌ای از موافقتنامه را به همراه پیشنهاد خود ارائه دهند. بدین ترتیب فروشنده از مذاکرات و عدم توافق‌های احتمالی پس از مزایده بر سر موضوعاتی که در سند مزایده بدان‌ها اشاره شده، اجتناب می‌ورزد.

۲۴. اصول کلی برگزاری یک مزایده عمومی به شرح ذیل‌اند:

الف) اطلاعیه مزایده باید در سطح گسترده منتشر و به اطلاع عمومی رسانده شود و باید حاوی خلاصه اطلاعاتی پیرامون دارایی‌های مورد نظر برای فروش باشد و در آن ضمن اعلام تاریخ دقیق برگزاری مزایده از کلیه علاقه‌مندان برای دریافت اسناد مزایده دعوت شده باشد،

ب) خریداران بالقوه که متقاضی شرکت در مزایده هستند باید فرصت کافی برای بررسی و ارزیابی شرکت داشته باشند و به همین منظور باید به آنان اجازه داده شود دفاتر حسابداری شرکت را بررسی کرده و ضمن رؤیت دارایی‌های فیزیکی، مصاحبه‌ای با مدیران ارشد آن داشته باشند. برای حفظ اطلاعات محرمانه می‌توان از شرکت‌کنندگان در مزایده خواست تا تعهد نامه‌ای را مبنی بر عدم افشای اطلاعات



حساس تجاری یا استفاده از آن امضا کرده و برای تضمین تعهد خود مبلغی را نزد مزایده‌گر بسپارند،

ج) پیشنهادهای شرکت در مزایده باید به صورت رقم نقدی ارائه شود و همراه آن سپرده‌ای نیز دریافت شود،

د) پیشنهادهای شرکت در مزایده باید تا تاریخ معینی پس از اتمام دوره دریافت پیشنهاد معتبر شناخته شده و فرصت کافی برای ارزیابی دقیق و مذاکره احتمالی با شرکت‌کننده‌ای که بالاترین پیشنهاد را ارائه می‌کند در نظر گرفته شود،

ه) سازمان متولی امر خصوصی‌سازی باید اختیار رد کلیه درخواست‌ها و پیشنهادات رسیده که با شرایط عمومی مزایده مطابقت ندارند را دارا بوده و در صورتی که هیچ پیشنهادی را مناسب تشخیص نداد، بتواند تمامی تقاضاها را رد کند.

۲۵. ملاک ارزیابی پیشنهادات رسیده در ارتباط با مزایده از یک مورد به مورد دیگر ممکن است متفاوت باشد. مطلوب‌ترین حالت آن است که کلیه پیشنهادات تنها بر مبنای قیمت با یکدیگر مقایسه شوند، بدین معنی که ارقام نقدی و سایر جنبه‌های مالی مطرح شده در مزایده (نظیر میزان دیون مالی تعیین شده از سوی مزایده‌گر) بر مبنای ارزش حال خالص (NPV) و با استفاده از یک نرخ تنزیل استاندارد و یکسان مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. سپس پیشنهادی که بالاترین ارزش را داشته باشد انتخاب می‌شود.

۲۶. گنجاندن ملاک‌های غیر قیمتی در ارزیابی پیشنهادات ارائه شده در مزایده در موارد معینی توجیه پذیر است، هر چند بدین ترتیب فرایند ارزیابی پیشنهادات پیچیده‌تر شده و شفافیت آن کاهش می‌یابد. اما می‌توان ملاک‌های غیر قیمتی را تا حد امکان به فرایند بررسی صلاحیت شرکت‌کنندگان مزایده منتقل کرد تا نیازی به وارد کردن این عوامل در محاسبات و ارزیابی‌ها و دادن «وزن مالی» به ملاک‌های غیر مالی نباشد. هنگامی که عواملی نظیر تعهد به سرمایه‌گذاری یا حفظ کارکنان در ملاک‌های ارزیابی مزایده گنجانیده می‌شوند و به لحاظ کردن این ملاحظات در بررسی



صلاحیت شرکت‌کنندگان در مزایده اکتفا نمی‌شود، باید این ملاک‌ها در قرارداد درج شده و در قبال آن‌ها رسماً از برنده مزایده تعهد گرفته شود. در این صورت لازم است سازمان خصوصی‌سازی پس از واگذاری نیز مستمراً بر عملکرد برنده مزایده نظارت داشته و از عمل به تعهدات یاد شده اطمینان حاصل کند.

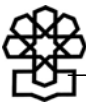
. این اطلاعات باید

حاوی آمار دقیقی از دارایی‌ها و بدهی‌ها (ترازنامه)، تاریخچه سودآوری، فعالیت‌های تجاری و چشم‌اندازهای آتی آن باشد. انتشار این اطلاعات باید در قالب یک سند عرضه سهام آگهی شده و همراه با شرحی از سهام‌های جدید و نحوه واگذاری آن‌ها باشد. این آگهی عرضه سهام باید توسط مدیریت بنگاه مورد نظر تهیه شده و به تصویب هیأت مدیره آن برسد. سپس این آگهی در بازار سهام به ثبت رسیده و تبدیل به یک سند علنی می‌شود که همگان می‌توانند از مفاد آن مطلع شوند.

۲۸. از آن جا که سرمایه‌گذاران، تصمیم خرید سهام را بر مبنای اطلاعات ارائه شده در آگهی عرضه سهام اتخاذ می‌کنند، مسئولیت هر گونه اشتباه یا نقص اطلاعات در این سند برعهده هیأت مدیره شرکت که انتشار آن را تصویب کرده است می‌باشد.

. اگر در قانون موجود چنین چیزی پیش‌بینی نشده بود، قانون

خصوصی‌سازی باید تکلیف نحوه تخصیص درآمدهای حاصله از واگذاری



دارایی‌های دولت به بخش خصوصی را معین کند. این درآمد باید صرف موارد ذیل شود:

- نخست، جبران هزینه‌های عملیات خصوصی‌سازی، که ممکن است درصد ثابتی از این درآمدها به سازمان خصوصی‌سازی بابت هزینه فعالیت‌های این سازمان اختصاص یابد،

- دوم، تسویه بدهی‌های بنگاه‌هایی که دولت در تملک خود نگاه داشته است،

- سوم، امور عام‌المنفعه که برای کل اقتصاد ملی یا بخش‌های وسیعی از آن سودمند باشد.

۳۱. علاوه بر مسائل عدیده حقوقی که در سرتا سر برنامه خصوصی‌سازی ممکن است کاربرد پیدا کنند، هر یک از معاملات خصوصی‌سازی نیز با مسائل و مشکلات حقوقی متنوعی رو به رو می‌گردد که هر یک نیازمند رسیدگی جداگانه هستند و در این رسیدگی باید از رایزنی مشاوران حقوقی مجرب بهره گرفت.

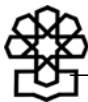


. این دستورالعمل‌ها باید در برگیرنده اصول ذیل باشند:

الف) قبل از خصوصی‌سازی باید ساختار بازار را در نظر گرفت. اگر یک بنگاه دولتی بخشی از بازار را تحت تسلط خود دارد یا ابتدا آن را به چند شرکت کوچک تقسیم کرد تا موقعیت انحصاری آن از بین برود، یا این که محدودیت‌ها و موانع ورود رقبای جدید به بازار رفع شده و از امکان شکل‌گیری یک بازار رقابتی اطمینان حاصل شود. اگر بنگاه دولتی به شرط برخورداری از موقعیت انحصاری در بازار به بخش خصوصی واگذار می‌شود، این تعهد باید موقت بوده و در کوتاه‌ترین زمان ممکن لغو شود. در بخش‌هایی که تجارت خارجی می‌تواند بر آن تأثیر بگذارد، حذف تعرفه‌های گمرکی یا کاهش آن می‌تواند رقابت را از ناحیه واردات در بازار ایجاد کند. در بررسی ساختار بازار قبل از خصوصی‌سازی، امتیازات ویژه‌ای که بنگاه دولتی از آن برخوردار بوده، نظیر دسترسی به اعتبارات ترجیحی و نظایر آن، باید پس از خصوصی‌سازی لغو شود و از اعطای آن به مالک خصوصی بنگاه جداً اجتناب شود.

ب) برای شرکت‌های خدمات عمومی (برق، مخابرات، آب، ... ) باید پیش از اقدام به خصوصی‌سازی، رژیم‌های تعیین نرخ خدمات، نظارت بر کیفیت خدمات و تسهیلات ورود رقبای جدید به بازار تعیین شده و سازمان‌های نظارت‌کننده بر این امور نیز ایجاد شده یا تعریف گردند.

ج) در مواردی که دولت سهم اندکی از بنگاه‌های واگذار شده به بخش خصوصی را حفظ می‌کند، نگهداری این سهم نباید به منزله برخورداری از حق ویژه یا فوق‌العاده‌ای در کنترل آن بنگاه باشد، جزء در مورد بنگاه‌هایی که فعالیت آن‌ها «استراتژیک» تلقی می‌شود نظیر خطوط هوایی، که در این صورت یک «سهم طلایی» در کنترل دولت باقی می‌ماند. این سهم طلایی به دولت امکان می‌دهد در صورت



صلاحیدید یا چنانچه فروش بنگاه به غیر با منافع ملی در تعارض باشد، از فروش مجدد آن توسط سهامدار عمده بخش خصوصی جلوگیری کند.

د) بخش خصوصی داخلی و خارجی باید به یک اندازه حق شرکت در فرایند خصوصی‌سازی را داشته باشند. اما دولت می‌تواند به عنوان یک استثنا، تصمیم بگیرد که بخشی از سهم بنگاه را صرفاً به خریداران داخلی اختصاص دهد.



:

: رهنمودهای حقوقی برای برنامه خصوصی سازی

: شاهی عربلو (کمیسیون اقتصادی)

:مطالعات برنامه و بودجه

:محمدرضا مجلل، محمد قاسمی

: یوسف جمسی

:

۱. خصوصی سازی (Privatization)

۲. توصیه های حقوقی (Legal Guide Lines)

۳. خصوصی سازی - برنامه (Privatization-Program)

۴. خصوصی سازی - قانون (Privatization- Law)

:

[www.worldbank.org/legal/publication/privatization-guide.pdf](http://www.worldbank.org/legal/publication/privatization-guide.pdf)